

## پژوهشی پیرامون خاستگاه نژاد هندی – ایرانی و تأثیر دین، فرهنگ و زبان فارسی در زندگی مسلمانان هند و چین

موسی وانگ فنگ

استاد مرکز پژوهش‌های اسلامی دانشگاه نینگ شیای چین

### ۱- خاستگاه نژادی

همه می‌دانند که خاستگاه نژاد ایرانی- هندی و ریشهٔ زبان‌های هند و ایرانی، بخشی از نژاد و زبان هندی آریایی یا هند و اروپایی است.

به طوری که مردم کنونی هند و پاکستان و بنگلادش از زبان هند و اروپایی استفاده می‌کنند و خاستگاه اصلی این زبان در شبه‌قارهٔ هند به دو قرن پیش از میلاد برمی‌گردد. زبان فارسی که زبان مردم ایران، افغانستان و بعضی از کشورهای آسیای میانه و بخشی از چین است، ریشه در دوران بسیار کهن دارد و به دوران زبان اوستایی باز می‌گردد.

۱-۱- گرچه دانشمندان زبان‌شناسی در دو قرن اخیر تحقیقات جالب توجهی را پیرامون خاستگاه و تاریخ زبان‌های فارسی- هندی و منشأ نژادی این اقوام به عمل آورده‌اند، ولی می‌توان گفت سرآغاز و منشأ اصلی زبان فارسی- هندی و خاستگاه نژادی این اقوام تاریخی طولانی و عمیق دارد که محققان این رشته هنوز به نتیجهٔ واحدی در این رابطه نرسیده‌اند. در سال‌های اخیر



با توجه به پیشرفت علم، دانشمندان باستان‌شناس و زبان‌شناس مجبور شده‌اند تا در مورد خاستگاه اصلی زبان و نژاد اقوام هند و اروپایی و نحوه گسترش و سیر تحولات آن به تجدیدنظر پردازند، به‌خصوص دستاورد تحقیقاتی دانشمندی انگلیسی به‌نام کولین رنفرو<sup>۱</sup> در مورد ارتباط باستان‌شناسی با زبان‌شناسی، نظر دانشمندان این رشته را به‌خود جلب نموده است، لذا بحث و بررسی در مورد ریشه زبان هند و اروپایی و خاستگاه اقوام هند و اروپایی بعد از سال‌ها وقعه بار دیگر از سرگرفته شده و مورد توجه قرار گرفته است.

دانشمند آمریکایی به‌نام سی سی لامبرگ کارلوسکی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۲ میلادی در یک مقاله تحلیلی موضوعاتی را مطرح کرد که مورد توجه محافل علمی قرار گرفت. او اظهار داشت که از طریق تحقیقات ژنتیک و بررسی DNA و کروموزوم‌های فرد می‌توان منشأ نژادی شخص را شناخت. بلاشک می‌توان از این روش جهت تحقیق بر منشأ نژادی اقوام و گروه‌های مختلف انسانی استفاده کرد.

دانشمند معروف دیگری به‌نام کاوالی اسفوزرا<sup>۳</sup> طی سال‌ها تحقیق به این نتیجه رسید که پراکندگی جغرافیایی نژادی و ژنتیکی با پراکندگی جغرافیایی زبان ارتباط مستقیم و نزدیک دارد و در برخی از موارد می‌توان از طریق زبان‌شناسی به منشأ نژادی یک ملت یا گروه انسانی پی برد. از این رو می‌توانیم با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات باستان‌شناسی، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی ارتباط نژادی و زبانی بین مردم اروپا و آسیا را مورد مقایسه قرار دهیم و نتیجه‌گیری کنیم که آیا ارتباط نسبی بین نژاد اروپایی و هندی- ایرانی که پراکندگی جغرافیایی متفاوت از هم دارند وجود دارد یا خیر؟ با پیشرفت علم زبان‌شناسی و تاریخ زبان اقوام می‌توان سیر تحول یک زبان را مورد بررسی قرار داد، همان‌گونه که دانشمند معروف زبان‌شناس دان رینگ<sup>۴</sup> با همکاران خود در تحقیق قیاسی خود در مورد زبان هند و اروپایی، از روش‌های آماری و فرمول‌های ریاضی بهره خوبی را برده‌اند. لذا ما با استفاده از نظریات دانشمندان معروف خواستیم مقدمه کوتاهی بر منشأ نژادی و زبان هندی- ایرانی داشته باشیم.

۲-۱- طی سال‌های اخیر تحقیقاتی چشمگیر درخصوص خاستگاه اولیه اقوام هند و اروپایی به‌عمل آمده که در اینجا به چند نمونه از آنها به‌طور مختصر اشاره می‌کنیم:



- (۱) عده‌ای از دانشمندان معتقدند که خاستگاه اصلی و اولیه اقوام هند و اروپایی منطقه بین دریای بالتیک، دریای سیاه و دریای خزر بوده که تاریخ اولیه گروه‌های نژادی آنها به ۵۰۰۰ تا ۸۵۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گردد.
- (۲) گروهی دیگر از دانشمندان می‌گویند خاستگاه اقوام هند و اروپایی منطقه آناتولیا یا آناتولی امروزی است که به ۶۵۰۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد و معتقدند پیشرفت کشاورزی اصلی‌ترین عامل گسترش و پراکندگی اقوام هند و اروپایی شده است.
- (۳) دسته‌ای دیگر از دانشمندان معتقدند خاستگاه اصلی اقوام هند و اروپایی مناطق مرکزی اروپایی امروزی و منطقه بالکان بوده که به دوران نوسنگی یا ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد.
- (۴) گروهی دیگر از محققین بر این باورند که خاستگاه اولیه اقوام هندی-اروپایی مناطق اطراف دریای سیاه و خزر و دشت‌ها و جنگل‌های جنوب اوکراین تا جنوب روسیه بوده است که به ۲۵۰۰ تا ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد.
- از نظریات فوق تئوری دوم و چهارم به واقعیت نزدیک‌تر است و تقریباً می‌توان آنها را به‌عنوان تئوری‌های معقول جهت تحقیق بر روی خاستگاه اقوام هند و ایرانی و ریشه اصلی زبان هند و اروپایی به‌کار برد.
- ۳-۱- در تحقیقات پیرامون خاستگاه هند و ایرانی از اقوام هند و اروپایی زبان، باید به رام شدن اسب و استفاده از ارابه اشاره کرد. طبق تحقیقاتی که دانشمند آمریکایی دیوید آنتونی<sup>۵</sup> و دانشمند روسی به نام ای. کوزمین<sup>۶</sup> انجام داده‌اند، قدیمی‌ترین ارابه در خرابه‌های باستانی سینتاشتا پیتروکا<sup>۷</sup> واقع در غرب قزاقستان کشف شده و نمونه دیگری از آن در خرابه‌های باستانی پوت بووکا<sup>۸</sup> در کنار رود ولگا و در منطقه آباشیوو<sup>۹</sup> در کنار رود دن پیدا شده که حاکی از نمونه‌های باستانی تمدن مشترک و واحد بوده که قبل از مهاجرت آریاییان به جنوب، تمدن اولیه این قوم بوده که از دن تا ولگا و خزر پراکنده بوده‌اند و سپس به طرف جنوب مهاجرت کرده‌اند که تاریخ مهاجرت آنها به ۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد.



اکثر دانشمندان معتقدند که تمدن آندرونو<sup>۱۰</sup> که آثار آن در دشت‌های اروپا و آسیا به چشم خورده است متعلق به اقوام اولیه هند و ایرانی بوده است.

دانشمند دیگر به نام کولین رینفر که ذکر نام او در مقدمه شد، در تحقیقات خود اظهار داشته که خاستگاه مردم هند و اروپایی منطقه آنتالیا یا آناتالیا و به عبارتی آناتولی است. وی ارتباط معقولی را بین خاستگاه اولیه اقوام هندی- ایرانی با دوران رام کردن اسب برقرار نموده است. هرچند عده‌ای از دانشمندان از نظر او بسیار خرده گرفته‌اند، ولی می‌توان گفت بین دوران رام کردن اسب و مهاجرت اقوام آریایی به جنوب رابطه‌ای تقریباً قابل قبول می‌تواند وجود داشته باشد که به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد.

آثار باستانی به‌جا مانده در منطقه‌ای معروف به مارگیانا<sup>۱۱</sup> در منطقه دلتا مرعاب و آثار به‌جا مانده در سواحل آمو دریا که به منطقه باکتریا<sup>۱۲</sup> معروف است و قدمت آن به اوایل ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد، شبیه تمدن نامازگا<sup>۱۳</sup> است که دانشمند روسی به نام ویکتور ساریاندی<sup>۱۴</sup> بر روی آن به تحقیق و بررسی پرداخته است و این تمدن را Bactrian-Margiana Archaeological Complex یا به اختصار BMAC نام نهاده و خصوصیات آن تمدن را مانند تمدن کشاورزی جنوب آسیای میانه و تمدن صحرائشین ذکر کرده است. لذا می‌توان گفت از این تمدن و آثار به‌جا مانده از آن می‌توان برای شناخت تبادل فرهنگ بین شمال- جنوب و ریشه‌یابی منشأ و خاستگاه اقوام ایرانی- هندی استفاده کرد.

بعضی از دانشمندان روسی و آسیای میانه می‌گویند تمدن BMAC متعلق به مردم نژاد هند و ایرانی بوده، گرچه واقعیت این نظر و صحت و سقم آن تقریباً به واقعیت نزدیک‌تر است ولی باید گفت رواج نژاد آریایی در آسیای میانه دارای تاریخ پیچیده‌ای است.

دانشمندان روسی به نام لیتوینسکی<sup>۱۵</sup> و پیانکووا<sup>۱۶</sup> معتقدند آریاییان از اوایل هزاره سوم قبل از میلاد در نواحی آسیای میانه زندگی کرده‌اند. دانشمند باستان‌شناس آمریکایی به نام لامبرگ در مقاله‌ای نوشته است: بین تمدن‌های آندرونو و BMAC تفاوت بسیار زیادی وجود دارد و کسانی که این تمدن را جزو تمدن‌های هند و ایرانی به حساب آورده‌اند دلیل کافی ندارند. او معتقد است که نباید بین یک نژاد و زبان و فرهنگ خاص در عهد باستان، به سادگی ارتباط برقرار



کرد. لذا از اینجا بود که اندیشه خاستگاه نژادی مردم هند و ایرانی باز با بحران تئوری‌ها مواجه شد.

ولی ما می‌گوئیم گرچه برقرار نمودن تئوریک ارتباط بین یک نژاد و زبان و مسائل وراثت از طریق باستان‌شناسی کار ساده‌ای نیست و نمی‌توان به همین سادگی ارتباط احتمالی بین این سه مقوله یعنی زبان، نژاد و فرهنگ را از طریق باستان‌شناسی برقرار کرد، ولی آنچه را که آقای کارولوسکی می‌گوید هم نباید زیاد جدی گرفت و گفته وی را نمی‌توان دلیل محکمی بر رد تئوری‌های قبلی سایر دانشمندان دانست. لذا آقای کارولوسکی هم نباید به همین سادگی ارتباط بین فرهنگ و زبان از طریق تحقیقات باستان‌شناسی را رد می‌کرد. او گرچه این تئوری، یعنی نظریه ارتباط بین یک فرهنگ و زبان و خاستگاه نژادی را رد کرد. ولی در مقابل آن نظریه به‌خصوصی از خود ارائه نداده و در حقیقت در مورد خاستگاه نژادی و قومی دچار قانون لادری شده و نظر او بیشتر رنگ و بوی ناسیونالیستی دارد.

۴-۱- از دیدگاه زبان‌شناسی و براساس تحقیقات دانشمند مجارستانی به نام هارماتا<sup>۱۷</sup> و دانشمند آمریکایی به نام میخائیل ویتزل<sup>۱۸</sup> اقوام هند و اروپایی چه در خاستگاه اولیه خود و چه در سرزمین‌هایی که به آن مهاجرت کردند با اقوام و مللی با زبان‌های متعدد و مختلف (مانند فیلان، قفقاز و بورشاسکی و ترکی قدیم) تماس داشتند.

در سال‌های اخیر، دانشمندان با استفاده از نتایج تحقیقات باستان‌شناسی به روابط بین تمدن‌های نژاد هند و ایرانی با تمدن‌های بین النهرین و تمدن رود سند پی برده‌اند.

در خلال قرن هشتم تا دهم میلادی، بعضی از مردم پارس (ایران باستان) که به مذهب زرتشت سخت پایبند بودند و نمی‌خواستند دین خود را رها کنند و به اسلام روی آورند یا در حمایت مسلمانان باشند و جزیه پرداخت کنند، به‌ناچار به ساحل غرب هند و ایالت گجرات کوچ کردند و سپس در بمبئی سکنی گزیدند و عده‌ای اندک از آنها به شهرهای شمال بمبئی که اکنون جزو پاکستان است، عزیمت کردند.



این افراد که از پارس به هند کوچ کردند به «پرسیان» معروف شدند. در حال حاضر تقریباً بیش از صد هزار نفر از این افراد در هند وجود دارند و شغل اکثر آنان تجارت و انجام کارهای صنعتی است.

آنان به زبان گجراتی صحبت می‌کنند و هنوز هم زرتشتیان بعضی از آداب و رسوم قدیمی و سنتی آن زمان را حفظ کرده‌اند. اگرچه این پارسیان غیرمسلمانند، ولی واژه پارسی از قدیمی‌ترین واژه‌هایی است که در تاریخ هند یافت می‌شود. مطابق شرح کتاب دایرةالمعارف بزرگ بریتانیا، واژه پارسی (parsi) به معنای پارسیان (persian) است و معمولاً بر کسانی که از ایران به هند کوچ کرده‌اند و کیش زرتشتی دارند، اطلاق می‌شود. از این رو مشخص شده است که از قرون وسطی به بعد، در میان مردم واژه «پارسی» رایج و متداول بوده و معنی آن هم ایرانیان مهاجر از پارس (ایران) به سرزمین هند است.

## ۲- تأثیر دین، فرهنگ و زبان فارسی در زندگی مردم هند

از نگاه انسان‌شناسی دینی، در اواسط قرون میانی، اسلام به تدریج در هند (در اینجا یعنی سرزمین کنونی هند، پاکستان و بنگلادش) نفوذ کرد و تاریخ هند به تدریج به دوران حاکمیت مسلمانان وارد شد. خصوصاً از زمان حمله غزنویان در آسیای میانه به جنوب تا زمان سقوط امپراتوری مغول، حاکمیت اسلام در هند (اغلب در شمال هند) تقریباً به مدت هشت قرن وجود داشت. در طی این هشت قرن، اسلام در شبه‌قاره هند گسترش زیادی یافت. از قرن هشتم تا قرن شانزدهم، تعداد زیادی از مسلمانان غرب آسیا و آسیای میانه به هند کوچ کردند و این مهاجران مسلمان نه تنها دین خود را حفظ کردند و تحت تأثیر هندوها قرار نگرفتند، بلکه تعداد زیادی از هندیان نیز به دین اسلام روی آوردند.

فرهنگ ایرانی- اسلامی در زمینه‌های دینی، زبانی، ادبیات، هنر و حتی آداب و رسوم بر هند تأثیر زیادی گذاشته است، علاوه بر این در درون ساختار فرهنگ اسلامی، عناصر فرهنگ فارسی بیشترین تأثیر را بر فرهنگ هندی داشته و خصوصاً زبان و ادبیات و هنر فارسی مورد توجه بیشتر مردم هند بوده است. علت اصلی این تأثیر آن بود که در گسترش اسلام در شبه‌قاره هند اکثر



مسلمانانی که از سرزمین پارس به هند کوچ کرده بودند به زبان فارسی صحبت می‌کردند و علاوه بر این عده زیادی از هندوها از زبان فارسی به‌عنوان وسیله‌ای برای مبادله آرا و اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند. از این‌رو در اواسط و اواخر قرون وسطی، در صحنه فرهنگ هند علاوه بر فرهنگ کلاسیک یعنی فرهنگ سانسکریت، فرهنگ تازه‌ای به‌نام فرهنگ فارسی هم ظهور کرد.

۱-۲- ادبیات فارسی در هند ادبیاتی است که مسلمانان هندی (شامل مسلمانان محلی و مهاجر) به کمک زبان فارسی خلق کرده‌اند و سبکی است که هم ویژگی‌های ادبیات فارسی و هم رنگ و صبغه هندی دارد. از قرن یازدهم میلادی با تسلط سپاهیان غزنوی بر شمال‌غربی هند، تعداد زیادی از شاعران و ادیبان ایران و آسیای میانه به این منطقه آمدند و در لاهور، مرکز فرهنگ اسلامی آن زمان، به فعالیت‌های فرهنگی پرداختند و پایه‌های فرهنگ فارسی- هندی را بنیان نهادند. در قرن سیزدهم، بعد از تشکیل حکومت سلطان دهلی، مرکز سیاسی و مرکز فرهنگ اسلامی از لاهور به دهلی منتقل شد و ادبیات فارسی در هند توسعه و رونق بیشتری یافت. در این زمان شاعری به‌نام ابوالمفاخر عثمان مختاری هشت دیوان شعر نوشت و در این میان معروف‌ترین اثر او «شاهنامه» نام دارد که به شیوه و سبک شاهنامه فردوسی تدوین شده است. همچنین در این زمان امیر خسرو دهلوی معروف‌ترین شاعری بود که با سبک‌های گوناگون شعر گفته است. بعدها ۱۲۰ هزار بیت از اشعار وی را جمع کردند که مهم‌ترین اشعار مثنوی و غزلیات او عبارتند از: نور پیامبر، شیرین و خسرو، لیلی و مجنون، آینه اسکندر، هشت طبقه آسمان و ... علاوه بر این او با پیروی از سعدی، شاعر معروف ایران، اشعار غزلیات خود را در پنج کتاب تدوین کرد. اشعار وی بیانگر افکار و احساسات مسلمانان هند است و در غزلیات او صبغه پررنگ صوفیانه دیده می‌شود.

در دوران شکوفایی امپراتوری مغول در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی، زبان و فرهنگ فارسی در هند در اوج رونق و شکوفایی بود و شاعران زیادی نیز ظهور کردند که از میان آنها می‌توان به شاعران معروف مانند بابر، بایرام‌خان، غزال مشهدی، قاسم کاشی، فیضی، نورالدین جوهری و محسن فانی اشاره کرد. آثار به زبان فارسی در این دوره غنی و فراوان است. تاریخ اسلام کمبریج



در این باره می‌گوید: در دوره امپراتوری بزرگ مغول، هند زادگاه دوم ادبیات فارسی بود. این سخن حرفی گزاف و نامربوط نیست بلکه عین واقعیت است.

۲-۲- علاوه بر زبان و ادبیات، هنر هند هم تأثیر زیادی از هنر ایران گرفته است. در دوران امپراتوری مغول، عمارت‌ها، مساجد، پارک‌ها و مقابر زیادی ساخته شده‌اند که نشانگر شکوفایی هنر معماری هند در آن زمان است. برای نمونه معروف‌ترین آرامگاه ساخته شده در هند عمارت تاج محل است که توسط پنجمین سلطان مغول به نام شاه جهان برای همسرش تاج محل بنا شده است. تمام این عمارت از مرمر سفید است. در این بنا چهار شبستان با گنبدی به ارتفاع ۷۶ متر و چهار گلدسته اسلامی به ارتفاع ۴۲ متر وجود دارد. در چهار دیوار این عمارت عقیق، یشم سرخ، یشم سبز، کاشی و زمرد به کار رفته و از تصاویر رنگی برای تزئین آنها استفاده شده است. این عمارت مرمری سفید در داخل باغ سرسبزی با درختان سر به فلک کشیده قرار دارد و مقابل آن حوض بزرگی است که عکس عمارت در آن افتاده است. این بنای زیبا و باشکوه، حیرت و اعجاب همگان را برمی‌انگیزد. این عمارت معروف توسط معماران هندی، ایرانی و ترک ساخته شده و تبلوری از تلفیق هنر هندی با هنر اسلامی و فارسی است. در این میان یکی از آثار مهم، نقاشی رمانتیک اثر امیر حمزه است که از دوازده قطعه نقاشی بزرگ تشکیل شده و در آن ۱۴۰۰ تصویر و نقاشی مستقل وجود دارد که در کنار هم یک نقاشی زنجیره‌ای بزرگ را پدید آورده‌اند.

۲-۳- اگر تاریخ گسترش اسلام در شبه‌قاره را بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که: فرهنگ اسلامی عربی- فارسی (به‌ویژه فرهنگ فارسی) بر فرهنگ هند تأثیری گسترده و عمیق دارد. هندیان به همین خاطر با پارسیان بسیار آشنایی داشتند، به گونه‌ای که واژه پارسی‌ها (ایرانیان) در زبان رایج میان مردم هند به تمام مسلمانان هند اطلاق می‌شد و کم‌کم واژه فارسی مترادف با (مسلمان) شد و بعدها این واژه همراه آیین اسلام به کشورهای جنوب آسیا راه یافت.

### ۳- تأثیر دین، فرهنگ و زبان فارسی در زندگی مسلمانان چین

آنچه در هند اتفاق افتاده تقریباً در شمال غرب چین به‌ویژه در منطقه شین‌جیانگ هم اتفاق افتاده است.





از زمان‌های قدیم بین مردم شمال غرب چین به‌ویژه مردمان منطقه شین‌جیانگ و اقوام هند و اروپایی و سپس هند و ایرانی روابط تجاری وجود داشته است. در سال ۱۹۳۸م ای. سایپر در کتاب خود نوشت: من معتقدم که زبان‌های هند و اروپایی از دو منشأ متفاوت سرچشمه گرفته‌اند و تحقیقات بعدی، حدود ۶۰ سال بعد از آن بر نظریات این دانشمند صحنه گذاشتند.

اخیراً در منطقه یی لی و تاجینگ در استان شین‌جیانگ واقع در شمال غرب چین ابزار مفرغ و اشیایی در قبرها کشف شده که متعلق به تمدن آندرونو است. این کشفیات حاکیست که فرهنگ و تمدن آندرونو از شمال غرب به منطقه شین‌جیانگ چین آمده و جنوب و مرکز منطقه شین‌جیانگ چین را تحت تأثیر قرار داده است. گسترش فرهنگ و تمدن آندرونو با دوران رام کردن اسب نزد اقوام هند و ایرانی ارتباط دارد. از این رو تاریخ مهاجرت اقوام صحرائشین از غرب به شرق شاید پیش از دوران فرهنگ یامنایا بوده است. در دوران سقیتاس- ساس که به ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد آداب و رسوم فرهنگ متعلق به دوران رام کردن اسب تأثیر چشمگیری بر مردم مناطق جنوب و شرق حاشیه منطقه تالم و حتی بر مردم فلات چینگ ژان و فلات حیوان سی و منطقه بون نان داشته است.

چند قرن پیش اقوام سای که منشأ زبان آنها برگرفته از زبان فارسی کهن است در حثیان سکونت گزیدند و کشور یوتیان را تأسیس کردند که آثار تمدن آنها از قرن ۴ تا ۱۰ میلادی به چشم می‌خورد.

۱-۳- از زاویه تاریخ و واقعیت، فرهنگ و زبان فارسی بر جامعه مسلمانان چین تأثیر زیادی گذاشته و بیشترین تأثیر آن بر منطقه شین‌جیانگ بوده است. در چین ده اقلیت قومی به اسلام اعتقاد دارند، و قوم تاجیک که اغلب آنها در منطقه شین‌جیانگ زندگی می‌کنند، تنها قومی است که به فرقه اسماعیلیه از مذهب شیعه اعتقاد دارند. آنها در شرق فلات پامیر شین‌جیانگ و روستاهای شاجه، یه‌چنگ، زه‌یو و یوشان در نواحی جنوب شین‌جیانگ سکونت دارند و جمعیت آنها ۴۱ هزار نفر است و به زبان سلغوری صحبت می‌کنند که ریشه آن شعبه‌ای از زبان پامیری ایران است. قوم تاجیک تقریباً در قرن دهم میلادی به دین اسلام گرویدند و در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ به فرقه اسماعیلیه روی آوردند. گفته شده است که در اواخر دوره مینگ (۱۶۴۴-



۱۳۶۸م) و اوایل دوره چینگ (۱۹۱۱-۱۶۴۴م) یک نفر به اسم سید سوری از ایران به منطقه پامیر آمده و در آنجا فرقه اسماعیلیه را تبلیغ کرده است. بعد از او آقایان شاه طالب و عبدالله خان ایرانی در میان مردم تاجیک اسلام را تبلیغ کردند. رئیس مذهبی در میان فرقه اسماعیلیه تاجیک «ایشان» نامیده می‌شود و این مقام معنوی می‌تواند به نسل بعدی نیز انتقال یابد. مقامات روحانی تاجیک‌ها که «حاجی» نامیده می‌شوند، بر طبق شرایع و فقه اسلامی، امور قضایی و حل و فصل اختلافات مردم را بر عهده داشته و امور دینی را انجام می‌دهند. به کسانی که کارهای عبادی مانند نماز جمعه و جماعت و خواندن عقد نکاح را انجام می‌دهند «عالم» می‌گویند. ایشان یعنی رئیس مذهبی آنان در کارهای «حاجی» و «عالم» دخالت نمی‌کند و حاجی و عالم هم زیر نظر و سلطه «ایشان» نیستند. مبلغان اسماعیلیه تاجیک معمولاً در مراسم و اعیاد اسلامی مانند مراسم ازدواج و مراسم تشییع جنازه فرصت را برای تبلیغ عقاید و احکام مذهبی خود مغتنم می‌شمرند. از این‌رو اعیاد مذهبی تاجیک و مراسم ازدواج و تشییع جنازه و آداب و رسوم آنها تحت تأثیر زیاد فرقه اسماعیلیه بود. مثلاً شب برات در میان تاجیک‌ها، عید کفاره گناهان نامیده می‌شود. بنابراین فرهنگ مذهب شیعه ایران بر قوم تاجیک چین و بخشی از مردم اویغور تأثیر زیادی گذاشته است و در همه زمینه‌های معنوی و زندگی اجتماعی آنان نفوذ کرده است.

۲-۳- در تاریخ مدارس مذهبی چین تأثیر زیاد فرهنگ و زبان فارسی نمایان است. تأثیر فرهنگ و زبان فارسی بر فرهنگ مسلمانان چین در آموزش تعلیمات مسجدی آنان نیز نمودار است. در نظام آموزش سنتی تعلیمات مسجدی چین، ۱۳ کتاب عمده وجود دارد که به کتب سیزده‌گانه معروف است. بیشتر این کتاب‌ها یا به زبان فارسی است یا اثر یک دانشمند ایرانی است. مانند کتاب «هوایی منهج» (منه‌اج الطلب، که کتاب دستور زبان فارسی بود و به زبان فارسی نوشته شده است؛ مؤلف این کتاب دانشمند چینی ایرانی تبار به نام چانگ جی است)، کتاب خطب (که موضوع آن شرح و توضیح ۴۰ حدیث در زمینه اخلاق است)، کتاب شرح احادیث (که به زبان چینی و مؤلف آن لی‌بی‌جینگ دانشمند چینی است)، کتاب اربعون (به زبان فارسی و موضوع آن نیز شرح ۴۰ حدیث پیامبر در زمینه حکمت است) کتاب اشعة‌اللمعات (که درباره اخلاق صوفیانه است) و کتاب راه بازگشت به سوی خدا (اثر ووزون چی) و کتاب‌های



دیگر فارسی مانند گلستان و بوستان سعدی و کتاب مرصاد عبدالله تهرانی که درباره خلقت انسان، تربیت اخلاقی و عاقبت مختلف آدم‌های خوب و بد بود. در واقع کتاب مرصاد شامل سلوک صوفیانه برای تقرب به خدا است. کتاب‌های سیزده‌گانه خصوصاً در مکتب «شان دونگ» از اهمیت زیادی برخوردار بودند. چانگ‌جی‌مه و شه‌یی‌لینگ که رؤسای این مکتب بودند به زبان فارسی و عربی و فلسفه تصوف تأکید و اهمیت بیشتری داشتند و دانشمندان زیادی با تسلط بر زبان فارسی و عربی پرورش دادند.

۳-۳- در زمینه مبادلات فرهنگی و اقتصادی، راه ابریشم شاهراه مهم مناسبات دوستانه تاریخی ایران و چین محسوب می‌شود.

در دوره هان (۲۴م - ۶۰۶ ق.م) سفیر چین به نام جانگ‌جیان به مناطق غربی سرزمین چین فرستاده شد. از آن زمان به بعد ارتباط چین و ایران به تدریج بیشتر شد و علاوه بر ارتباطات سیاسی، روابط اقتصادی، فرهنگی و دینی نیز عناصر مهم ارتباطات میان چین و ایران به‌شمار می‌رفت. در زمینه مبادلات اقتصادی، کالاهای صادراتی چین به ایران شامل ابریشم، طلا، پول و اشیای مسی بود. متقابلاً از ایران اسب، یونجه، انگور، داروهای گیاهی، مواد معدنی، انواع میوه و سبزیجات به چین صادر می‌شد. در زمینه مبادلات فرهنگی، فرهنگ و هنر ایران باستان بر فرهنگ و هنر باستان چین تأثیر زیادی گذاشته است. موسیقی، رقص، ادوات موسیقی و هنر بندبازی در دوره هان تا نگ به چین وارد شد و مورد استقبال مردم چین قرار گرفت. هنر نقاشی، گچ‌بری، مجسمه‌سازی و طراحی نقش‌های تزئینی ایران هم از آن زمان به چین وارد شد و بر هنرهای چینی تأثیر زیادی برجا نهاد.

فرهنگ دینی در روابط و مبادلات فرهنگی چین و ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. قبل از اسلامی شدن ایران، آیین بودا حدوداً یک قرن قبل از میلاد مسیح (ع) از آسیای میانه وارد منطقه شین‌جیانگ گردید و از آنجا به سایر مناطق چین گسترش یافت. از این رو می‌توان گفت که مذهب بودایی نخستین بار مستقیماً از هند به چین راه نیافت بلکه از ایران و آسیای میانه که در آن زمان جزو سرزمین ایران بوده، به چین وارد شد. کیش زرتشت حدوداً در دوران سلسله جنوب شمال چین (۵۸۱ - ۴۲۰ م) از ایران به چین راه یافت. آیین مانی تقریباً در قرن چهارم از ایران به



چین وارد شد و در نواحی شمال غرب چین گسترش نسبتاً زیادی پیدا کرد. در آثار و خرابه‌های دونگ خوانگ و تورفان معابد آیین مانی و نقاشی‌ها و اسناد مانوی پیدا شده است. فرقهٔ نسطوری آیین مسیحیت ایرانی هم در اوایل سلسله تانگ (۹۰۷-۶۱۸م) به چین راه یافت و در چین بیش از ۲۰۰ سال رواج داشته است. بنابراین قبل از ورود اسلام به چین سایر ادیان ایرانی در سرزمین چین اثرات و نشانه‌های تاریخی برجای نهاده‌اند که این تأثیرات بر جامعهٔ چین در مراحل مختلف تاریخی و در سطوح گوناگون قابل مشاهده است.

با تحلیل و بررسی مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که: مسئلهٔ خاستگاه نژاد هند و ایران، تأثیر فرهنگ و زبان فارسی و ادیان ایران بر جامعهٔ مسلمانان هند و چین و نیز نقش و تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی از نظر تاریخی بر کشورهای مجاور از مسایل مورد توجه دانشمندان معاصر به‌شمار می‌روند. علاوه بر باستان‌شناسان، مورخان و دین‌شناسان و برخی از زبان‌شناسان معروف مانند: بیلی<sup>۱۹</sup>، بورو<sup>۲۰</sup>، ایوانف<sup>۲۱</sup>، گامکرلیدزه<sup>۲۲</sup> و دیاکونو<sup>۲۳</sup> هم در این زمینه تحقیقات زیادی انجام داده‌اند. ما امیدواریم که دانشمندان و متخصصان جهان از طریق همکاری‌های بین‌المللی دربارهٔ مسائل پیچیدهٔ علمی پیشرو، بیش از پیش تحقیق و بررسی بنمایند و با دستیابی به منابع دست اول و با مقابلهٔ مطالب، به نتایج علمی مطابق با واقعیت دست یابند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. K. Renfrew.
2. C. C. Lamberg Karlovsky.
3. Cavalli Sforza.
4. D. Ring.
5. D. Anthony.
6. E. E. Kozmin.
7. Sintashta Petrovka.
8. Potapovka.
9. Abashevo.
10. Andronovo.
11. Margiana.
12. Bactria.
13. Namzga.
14. V. Sariandi.
15. B. A. Litvinsky.
16. L. T. Pyankova.
17. J. Harmatta.



18. Michael Witzel.
19. H. W. Bailey.
20. T. Burrow.
21. V. V. Ivanov.
22. T. V. Gamkrelidze.
23. I. M. Dyakonov.

### منابع

- تاریخ مشرق زمین، انتشارات خلق یون نان، ۱۹۹۰، ص ۲۴۹.
- دایرةالمعارف بزرگ بریتانیا (انگلیسی)، ۱۹۷۷، .parsi.
- فرهنگ اقلیت‌ها، انتشارات فرهنگ شانگهای، ۱۹۸۷م.
- مجموعه رسالات پژوهشی دوران مسی منطقه شمال شرق چین، شوی تاوی، پکن، انتشارات علم، ۲۰۰۱، ص ۱۹۲-۱۸۷.
- مجموعه مقاله‌های زبان‌شناسی وانگ‌شی‌یان، پکن، ۲۰۰۲م، ص ۳۱۶-۲۹۹.
- مقدمه ادبیات شرق، حی نای یین، پکن، انتشارات خلق چین، ۱۹۹۹، ص ۲۴۸.
- Cavalli-Sforza, L. L., et al. Reconstruction of human evolution: Bringing together genetic, archaeological and linguistic data, Proc. Natl. Acad. Sci (USA) 85, 1988, p. 6002-6006.
- Hiebert, Fredrik, Unique Bronz Age stamp seal found in Central Asia, Expedition 42, 3, 2001, 48. Victor Mair, Notes on the Anau Inscription. Sino-Platonic Papers, 112, 2001. Philadelphia, Pennsylvania; Department of Asian and Middle Eastern Studies, University of Pennsylvania.
- Jiangjun, Mei and Colin Shell, *The existence of Andronovo cultural influence in Xinjiang during the second millennium*, Antiquity 73, 1999, p. 570-78.
- Kuzmina, E.E., *The First Wave of Indo-Iranian Migration to the South*, (in Russian), Vstnik Drevney Istorii 4, 2000, p. 3-20.
- Lamberg-Karlovsky, C. C., *Archaeology and Language: The Indo-Iranians*, Current Anthropology 43, 1, 2002, p. 63-88.
- Maenchen-Helfen, O. J., "Are Chinese his-p'; and kuo-lo IE loan Words?" Language 21, 1945, p. 244.
- .parsi in: <http://www.indiaritual.com/parfi.htm>
- Renfrew, Colin, *Archaeology and Language*, Cambridge: Cambridge University Press, 1987.
- Renfrew, Colin, *The Indo-European Problem and the Exploitation of the Eurasian Steppes: Questions of Time Depth*, (in Russian), Vestnik Drevney Istorii 2, 2002, p. 20-32.
- Warnow, Tandy, *Mathematical approaches to comparative linguistics*, Proc. Natl. Acad. Sci. (USA) 94, 1997, p. 6585-6590.
- The Cambridge History of Islam* [M]. Cambridge University Press. 1978 V01.2B.